

فلسفه یازدهم - درس ۵ - زرین کلاه - شیواز / اردیبهشت ۱۴۰۰ / ۰۳۸۱۳۷ / ۹۱۷۷۰

سقراط ← چهره برجسته‌ی تاریخ فلسفه

وضعیت جامعه‌ی آتن در زمان سقراط

انکار امکان شناخت

← متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان

↑
لگمی گفته → جهان را نمی‌توان شناخت

علم و دانش ← ساخته و پرداخته ذهن است

← تطابق با واقعیت ندارد

نشر اندیشه‌های خود ← با مغالطه - جدل - فن سخن‌وری

نتیجه‌های مملکت سوفسطائیان

۱- کم رنگ شدن اخلاق و فضیلت میان مردم

۲- کم رنگ شدن حق‌طلبی در سایه‌ی جدل و سخن‌وری ماهرانه

۳- به دنبال حق جلوه دادن باطل بودن توسط مردم

قیام سقراط در چنین شرایطی ← برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت

و برافراشتن پرچم علم و فضیلت

او شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار کرد

دلیل جذب جوانان به سقراط ← رفتار متواضعانه همراه با احترام او

محاكمه او ← در قرن پنجم قبل از میلاد - در سن ۷۰ سالگی - حکم او اعدام با جام شکران

سقراط ← کتاب ننوشت - حیاتش با فلسفه سپری شد

مطالعه اندیشه‌های فلسفی او ← پی بردن به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان

سخنان افلاطون در مورد سقراط ← صرف عمر خود در اصلاح جامعه و شناساندن افکار

مغالطه آمیز سوفسطائیان

روش سقراط ← انتخاب یک موضوع حیاتی

لگمی جدلی ← و انتخاب پرسش درباره آن و ادامه پرسشها تا رسیدن به حقیقت

تبدیل شدن او به چهره بحث برانگیز به خاطر جهالت قدرتمندان سفسطه گر را به خشان

می‌کشید

هدف سقراط ← متعاقب کردن مردم بر عدم ترجیح جسم و ثروت بد کمال نفس فلسفه یازدهم - ۲-۵

نظر او در مورد ثروت و فضیلت ← ثروت فضیلت نمی آورد اما فضیلت ثروت و موارد سودمند جامعه را به دنبال دارد

پایداری او در رسیدن به بیداری مردم ← به خاطر اینکه

له این کار را الهی می دانست

گفته ی او ← این رسالت الهی را خدا با ندهای غیبی و در رویا بر عهده من گذاشته

بازداشت و محاکمه ی او ← به اتهام فاسد کردن جوانان و بی ایمانی او به خدایان و سخن گفتن از خدای جدید

بگرداندن جوانان از دین و آئین پدرانشان

دفاعیه سقراط ← بیانیه فلسفی بود (دربردارنده ی همه اصول زندگی او)

افتزای مردم و ملتوس از زبان خودش ← در پیش گرفتن رفتاری خلاف دین

در پی دست یابی به اسرار زمین و آسمان بودن

حق را باطل جلوه دادن و آموزش آن به مردم

گفته ی سقراط

چرا مردم من را دانا می پندارند؟

✓ تلاش من برای جدا کردن دانشمندان حقیقی از مدعیان دانایی

✓ آشکار کردن نادانی مدعیان دانایی ← مردم همان می کنند آنچه را دیگران نمی دانند من ^{نم}

دانای حقیقی ← خدا

راز سرورش معبد دلفی ← که گفته بود: داناترین مردم سقراط است.

← این بود که بما بنماید که تا چه پایه نادانیم

چرا سقراط را دانا خطاب کرده ← تا بگوید ← داناترین مردم

کس است که مثل سقراط بداند که هیچ نمی داند

پاسخ سقراط به اتهام اشکار خدایان - قبول معلول به معنای قبول علت است

قبول علم و قدرت فوق بشری ← به معنای قبول خداوند است

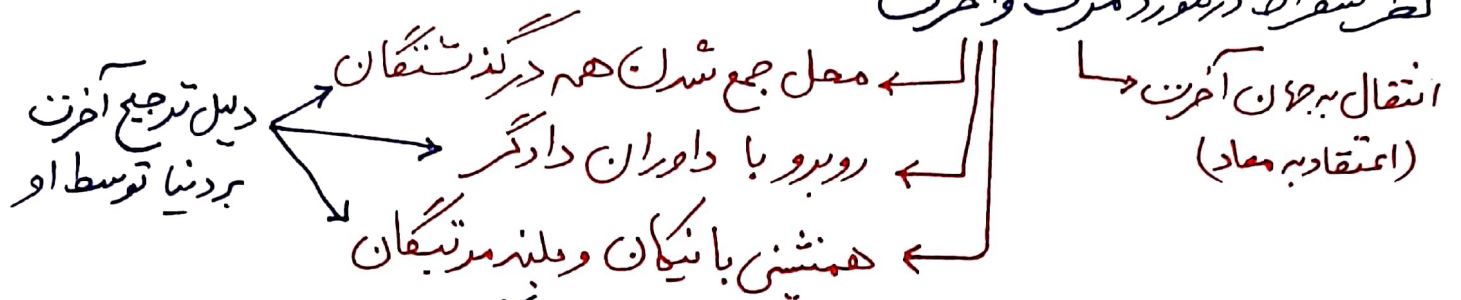
قبول نشانه های یک چیز ← یعنی مندر آن نیست

آیا ممکن است کس علم و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد اما منکر خدا باشد؟ (استفهامی)

مقایسه مرگ و بدی

لے گرینڈ از مرگ دشواریست - گرینڈ از بدی دشوار است - چون بدی از مرگ تنزیر می دود
بدی و مرگ هر دو به دنبال آدمی هستند اما مرگ کند تر و بدی تنزیر - پس برای فرار از
بدی باید تنزیر دود

نظر سقراط در مورد مرگ و آخرت



من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی
نصیت کدامیک از ما بیشتر است، خدای دانه

سقراط الگوی یک زندگی فلسفی

لے او بر اساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پابندی به فلسفه خود
جان خود را فدا کرده است

سقراط حذایان یونان را معتقد نبود - اما خدای واحد را قبول داشت

نی دانم سقراط ← مبداء حرکت به سمت دانایی و آموختن است
← برداشتن پرده از جهل مرکب است

نی دانم سوفسطائیان - به معنی نمی توانم بدانم است

گفته سیرون در مورد سقراط - او فلسفه را از آسمان به زمین آورد

او فلسفه را وارد کرد به زندگی، اخلاقیات و خردمند
پردازد